به نام خداوند ج آن و خرد کزین برتر آندیشه بر نگذرد

 **" اندیشگاه و آینده "**

نویسنده : دکترنویدی

پیش درآمد :

 اندیشگاه به عنوان کانون تفکر و مرکز تولید اندیشه و معرفت ودانش چه نسبتی با زمان و آینده دارد؟

 آیا اندیشگاه می تواند به آینده و دوران آتی بی طرف و بی تفاوت باشد؟

اصولاً اندیشگاه بامحوریت مبحث توسعه چه نگرشی به آینده و زمان دارد؟

رفتار و کنش اندیشگاه نسبت به حوادث و شرایط آینده چه می تواند باشد؟

آیا اندیشگاه ازجنس زمان آینده است یا گذشته؟

شاید اندیشگاه نه به گذشته تعلق دارد و نه به آینده، بلکه در زمان حاضر نقش آفرین است و شاید اندیشگاه به فراتر از زمان تعلق دارد اما هر چه باشد گذشته گذشته است و آنچه فرا چنگ اندیشگاه است آینده است.

آری، آینده و تنها زمان آینده در دست آن و در اختیار اندیشگاه است. بنابراین اندیشگاه و آینده نسبتی دارند و آن نسبت چیست؟

1. صدای آینده:

صدای آینده چیست و چگونه به گوش می رسد و شنیده می شود، اصولا چه نیازی به شنیدن صدای آینده داریم و جامعه چرا محتاج شنیدن صدای آینده است؟ چه کسی و چه کشور و چه جامعه ای می تو آند صدای آینده را بشنود و چرا باید بشنود؟

آینده با موضوع زم آن و درک و آگاهی از وقت سروکار دارد، آینده به زمانی اطلاق می شود که آمدنی است و حوادث و وقایع در آن به وقوع می پیوندند و واقع می شوند. برای مردم آن باست آن زمان، معنا و مفهوم متفاوتی نسبت به مردم آن عصر ما داشته است. زمان در نظر و تلقی پیشینی آن گاهی سایه ازلیت بوده است فلذا اوهام واسطوره ها چنگ آویزهای تعبیر وتفسیر زمان بود، پیش گویی، پیش بینی و فال - گیری و فال بینی روش ها و شیوه های رمزگشایی و رازدانی زمان تلقی می شدند و از مفاهیم تفکر، اندیشه، پژوهش، طراحی و مدیریت زمان و تصویرسازی و سناریونویسی برای زمان و آینده خبری نبود، بشر دیروز بیش از هر چیز با مکان و طبیعت مأنوس و مألوف بوده و آن را گهواره خود می دانست و به زمان و آینده التفات و عنایتی نداشت.

با پیدایش و رشد اندیشه و آگاهی و دانش انس آن نسبت به خود و محیط و شرایط پیرامونی اندک اندک درک زمانی و فهم تقویمی و نگرش به آتی برای او حاصل شد و این سیر اندیشه و دانش افزایی در قرن بیستم به رویکرد نوینی منجر گردیدکه هم آگاهی از زمان و آینده به مفهوم نوین بود و از آن هنگام توجه به آینده و آینده نگری در کانون تفکر و تدبیر بشر عصر جدید واقع گردید یعنی از نیمه قرن بیستم میلادی.

صدای آینده صدای درک زمان است نه زمانی که برما گذشته است که آن زمان و وقت سپری شده است و از دست ما رفته است و هرگز نمی توان زمان گذشته را برگرداند که این نامأنوس و خلاف قاعده خلقت است و نه زمانی که بس کوتاه و در دم ماست و آنقدر کوتاه است که نمی توان از آن به درستی سخن گفت و آن است که شتاب آن به سوی ما و اکنون می آید و نزدیک می شود و می رسد.

چگونه می توان صدای آینده را شنید؟ صدای آینده صدای آشنا برای هر گوشی نیست. سمع و نظر و اندیشه ودرک ویژه می طلبد، مثل آن که صدای آینده را می شنوند و آن که نمی شنوند مثل آدمی آن خفته و خوابناک و آدمی آن بیدار و هشیار است. خفتگان و خواب زدگان هرگز صدای آینده را نمی شنوند حتی صدای حال را نمی شنوند، آنان که چشم باز دارند و دل بصیر و اندیشه تابناک و گوش جان گشوده دارند، آنان صدای آینده را می شنوند. شرط نشیدن صدای آینده هوشیاری، هوشمندی و اندیشه ورزی و دانایی است و غفلت زدگی آن پیوسته صدای گذشته را می شنوند نه حتی صدای بیداری و عبرت آموزی گذشته را.

قطار پرسرعت زمان ازگذشته و تاریخ راه افتاده است و منزل به منزل، ایستگاه به ایستگاه شتاب آن درحرکت است آن که صدای سوت قطار را بشنوند و مهیای سوار شدن و رفتن باشند از کار و آن عقب نمی افتند ولی آنان که خواب آلوده و خفته باشند وصدای آمدن قطار را نشنوند، آنان همواره در یک جا می ماند و شاید نمی مانند، اصلا نمی مانند. همه آدمی آن کشتی نشینان اقیانوس متلاطم زندگی و حیات هستند و به سرعت رو به جلو و آینده در حرکتند،کشتی نشینی کشتی بانی می طلبد والا غرق شدن درطوفان های سهمگین و یا مواجهه با صخره های سخت هرآن ممکن است. شرط حرکت، اندیشه آگاهی و شناخت است. بنیان و مبنای توجه به آینده و ضرورت شنیدن صدای آینده از اینجا نشأت می گیرد یعنی اندیشیدن و شناختن.

 اندیشگاه مرکز تولید موج وصدای آینده است، اندیشگاه محل اندیشه و توجه به زمان و آینده است. نسبت اندیشگاه به آینده نسبت مرکز مولد و مروج درک و آگاهی از زمان و آینده است .گویی اندیشگاه گهواره شناخت آینده است و بستر التفات و عنایت به زمان آینده و محل تولد اندیشه و شناخت آینده. هستی و وجود یک اندیشگاه به درک زمان آینده بستگی تام و تمام دارد، یعنی تجلی و تبلور اهداف اندیشگاه با درک صدای آینده و آگاهی از پیچ و خم های آینده و حرکت با حرکت آینده قرین است و آینده خود نیازمند اندیشگاه است تا صدای خود را به گوش آدمی آن برساند و خفتگان را بیدار کند.

 اندیشگاه چگونه می تواند صدای آینده را بشنود؟ صدای آینده در حوادث و شرایط جدید و نوظهور تجلی می کند و خود را نشان می دهد، شرایط جدید نشان و نمادی از آینده عمیق است، در واقع شرایط جدید فضای جدیدی را ایجاد می کند و این فضای جدید پیام نوینی دارد که پیشاهنگ صدای آینده است.

فضا وشرایط جدید انتظارات تازه و توقعات اساسی و مهم دیگری رادر جامعه ظهور میدهد درک این انتظارات و نحوه مواجهه بااین شرایط نیازمند آگاهی از زمان و آینده است. اندیشگاه به لحاظ ماهیت وجودی خود به هرگونه تغییر وتحول و دگرگونی حساس است بلکه رویکردهای نوین و شرایط جدید را رصد می کند تا صدای آینده را بشنود و بشنواند.

 اندیشگاه با درک و آگاهی از آینده و دیده بانی شرایط جدید و باتکیه برتجربه گذشته خود، استراتژی های نوینی اتخاذ می کند و از تغییرات فرصت می سازد و از فرصت ها برای نقش آفرینی بهره می گیرد و در شرایط جدید نقش تازه ای ایفا می نماید، نقش بی نظیر اندیشگاه بیدارباشی و بیدارگری است تاصدای آینده را دریابد و خفتگان را بیدارکند.

 والسلام